

رویکرد سوژه‌محور در گردآوری عکس‌های تبریز در دوران قاجار و پهلوی اول*

بهزاد صحتی**^۱

۱. دانشجوی دکتری تاریخ تطبیقی و تحلیلی هنر اسلامی، دانشکده هنرهای تجسمی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

چکیده

اتفاقات سیاسی، فرهنگی و اجتماعی رخ داده در تبریز، محملی برای خیل عظیم عکس‌هایی گشتند که با ورود صنعت عکاسی به ایران، تهیه می‌شدند. اما بی‌توجهی در نگهداری عکس‌ها در روزگاران گذشته، عدم دسترسی آسان به تصاویر و نبود مرکزی جامع و کامل با شیوه‌ارائه صحیح عکس، همواره از دغدغه‌های تمامی پژوهشگرانی به‌شمار می‌رود که برای دریافت چند قطعه عکس، به زحمت افتاده‌اند. با عنایت به این موضوع که بررسی تصاویر و استفاده از آرشیو مراکز نگهداری تصویر در ایران کار دشواری است، دسته‌بندی جدیدی بر پایه سوژه‌محور بودن پیشنهاد می‌شود. با توجه به شرایط حاکم بر منطقه، این دسته‌بندی چند شاخه می‌شود تا ضمن تحصیل آرشیوی دقیق، مطالعات عناصر موجود در عکس نیز که منتج به آگاهی‌های فراوانی در زمینه‌های مختلف هستند، ارائه شوند. با عنایت به این رویکرد، شهر تبریز به عنوان نمونه‌ای از شیوه‌یادشده در نظر گرفته شد و این پرسش مورد توجه قرار گرفت که دسته‌بندی عکس‌ها به‌صورت سوژه‌محور چه مزایایی را به همراه خواهد داشت؟ پس با روش تاریخی-تحلیلی به بررسی عکس‌های مورد نظر در دوران قاجار و پهلوی اول پرداخته شد. برای رسیدن به تصاویری که در دسته‌بندی مذکور جای گیرند، تمرکز عمده بر جستجوی تصاویر در مراکز و مجموعه‌های افرادی قرار گرفت که در آنها عکسی در ارتباط با تبریز یافت می‌شد. در پایان، این نتیجه حاصل شده‌است که یکی از عوامل حصول آگاهی‌های دقیق و پژوهش‌های سودمند در کلیه زمینه‌ها، داشتن فرهنگ تصویری غنی است که نیازمند گردآوری عکس‌ها و روش‌دهی منضبط به آنها است.

واژه‌های کلیدی

دسته‌بندی عکس‌ها، سوژه‌محور، تبریز، پهلوی اول، قاجار، بایگانی عکس.

* مقاله حاضر برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد نویسنده با عنوان «عکاسی در تبریز» است که به راهنمایی دکتر یعقوب آژند در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران به انجام رسیده است.

** نویسنده مسئول: behzad.sehati@ut.ac.ir

مقدمه

در اعتلای عکاسی ایران در شهرهایی هم چون شیراز، اصفهان، مشهد، اردبیل، قزوین، قم، همدان، اراک، ارومیه و ... می‌گذرد، راه تحقیق تا حدودی گشایش یافته است؛ اما همچنان دسترسی ساده به عکس‌ها در هاله‌ای از ابهام باقی مانده است. گو این‌که از نظر نگارنده، صرف وقت، انرژی و هیجان در این باره که اولین عکاس هر شهری کیست، از اهمیت کم‌تری برخوردار است؛ زیرا از لحاظ کاربردی این پژوهش‌ها پس از گذشت سال‌ها دستاوردی در جهت اعتلای تاریخ عکاسی ایران نداشته‌اند. بی‌گمان هر پژوهشی باید بتواند راه را بر پژوهشگران بعدی هموارتر کند، اما پژوهش‌های صورت‌گرفته در زمینه تاریخ عکاسی شهرهای ایران، تنها به اضافه کردن اطلاعاتی از اولین‌های آن شهر می‌انجامد و در عالی‌ترین حالت، می‌توان ادامه مسیر تاریخی را صرفاً در همان شهر رفته و محدودیت نمونه‌های پژوهشی که اساس هر تحقیقی است، همچنان برقرار می‌ماند. اما صرف دقت و غور در عکس‌های به جا مانده و استنتاجات برگرفته از آن، می‌تواند در عرصه‌های مختلف تحقیقی، کمک شایانی به پژوهشگران بکند. امید است دسته‌بندی و جمع‌آوری عکس‌ها از این‌گذر، طلعه‌ای باشد برای استفاده هرچه بهتر از مجموعه‌هایی بس غنی که متأسفانه به دلیل عدم آگاهی و معرفی، در گوشه‌ای در حال از بین رفتن هستند؛ مجموعه‌هایی که می‌توانند گوشه‌های بسیاری از تاریخ عکاسی ایران را که در ظلمات باقی مانده‌اند، روشن کنند. سوال مطرح در این تحقیق این است که دسته‌بندی عکس‌ها به صورت سوژه‌محور، چه مزایایی را به همراه خواهد داشت؟

مهم‌ترین هدف این مقاله، با عنایت بر این جمله سوزان سانتاگا^۱ است که «گردآوری عکس، گردآوری عالم است» (سانتاگا، ۱۳۹۰، ۱). علاوه بر آن، ارائه سرگذشت عکاسی در تبریز و استنتاج درون عکس‌ها با مطالعه تصاویر مرتبط با تبریز، جمع‌آوری و دسترسی ساده‌تر به آرشیو عکس‌ها و دسته‌بندی تصاویر به صورت کامل‌تر، از اهداف این پژوهش است.

قصد آن است تا با بازنگری انبوه عکس‌های پراکنده در بایگانی‌های مختلف، عکس‌ها در شاخه‌های مختلف، در بستری تاریخی بررسی شوند تا بدین ترتیب، داستان عکاسی در تبریز از این زاویه بازگفته شود. پس با تعریفی که برای هر کدام از دسته‌بندی‌های یادشده ارائه می‌شود، به انتخاب عکس‌های گردآوری‌شده، پرداخته و عکس‌های منتخب را در دسته‌های خاص خود طبق سیر منطقی تاریخی، قرار می‌دهیم.

با توجه به این نکته که متأسفانه افراد فهرست‌کننده و یا

عکاسی تنها زبانی است که در تمامی نقاط دنیا فهمیده می‌شود و با پل زدن میان ملت‌ها و فرهنگ‌های مختلف، انسان‌ها را به یکدیگر پیوند می‌دهد. عکاسی، شکل حقیقی زندگی و وقایع مختلف را بازتاب می‌دهد، امکان آن را فراهم می‌سازد تا در بیم و امیدهای دیگران شریک شویم و به شرایط سیاسی و اجتماعی روشنایی می‌بخشد (Grensheim, 1962, 26).

بررسی‌های تاریخی، به‌ویژه در ایران به دلایل متعددی چندان آسان نیست. تاریخ ایران و اسناد و تصاویر مربوط به آن، هنوز هم به عنوان یک میراث ملی تلقی نمی‌شود و بسیاری از درها به روی پژوهشگر بسته هستند. گرچه مؤسسات و نهادهای نگهدارنده اسناد ملی، همکاری لازم را با پژوهشگران به عمل می‌آورند، لیکن هنوز هم صد برابر آن‌چه در این مؤسسات گرد آمده، در پستوی خانه‌ها و نهانگاه خانواده‌ها، پنهان و مکنون باقی مانده است.

با وجود این‌که مراکز آرشیو عکس موجود در سطح کشور از نظر کمیّت در وضعیت تقریباً مطلوبی قرار دارند، عدم دسترسی آسان به عکس‌های بایگانی‌شده همواره برای پژوهشگران مشکلات زیادی از نظر دسترسی به منابع در پی داشته است. گذشته از موانع اداری، از عمده‌ترین علل ناتوانی در ارائه خدمات از سوی مراکز حفظ عکس، نبود دسته‌بندی و فهرستی دقیق و منضبط از تصاویر موجود در آن مراکز را می‌توان برشمرد که اکثراً بر پایه عمق حافظه کارشناسانی است که در آن‌جا به خدمت مشغول هستند. اگر موضوع از شهری نسبی برخوردار باشد، آن‌گاه شاید بتوان امیدوار بود ولو با محدودیت‌هایی عجیب چند قطعه‌ای عکس به‌دست آید زیرا هر مرکز، قوانین کاملاً مستقل خود را در این خصوص دارد. اما اگر موضوع تازگی داشته و یا موردی باشد که در چند سال اخیر، به لطف برخی محققین، کمتر به آن پرداخته شده باشد، بدون اغراق، تقریباً دست‌یابی به عکس‌های آن محال است و یا در حالت خوشبینانه، زمان فرسایشی زیادی را می‌طلبد. با آگاهی از این موضوع، این پرسش در ذهن نگارنده به‌وجود آمد که چه راهکاری می‌تواند این خلاء را پر کند. فهرست‌بندی‌ها و دسته‌بندی‌هایی که تاکنون صورت گرفته، به وسیله افرادی انجام پذیرفته‌اند که با مشاهده هر عکسی، یافته‌های آشنا را فهرست‌بندی کرده‌اند. این یافته‌های آشنا با تکیه بر قول معمرین و یا دانش افراد فهرست‌کننده بوده و اکثراً شامل افراد شناسایی‌شده درون عکس‌ها است.

برخوردی که تاکنون با عکاسی شهرهای ایران صورت می‌گرفت، «عکاس محور» و از جنبه عکاسان پیشگام آن دیار بوده است. به‌نظر می‌رسد بعد از چندین سال که از کوشش

کرد کاملاً تفصیلی و معرف حالت هر کس است و وضع صاحب عکس از حیث طرز لباس و نشسته یا ایستاده بودن و جز آن معین شده است (افشار، ۱۳۷۱، ۷۰). برای مثال دو نمونه از فهرستی که حسین محبوبی اردکانی برای عکس‌ها تهیه کرده است در شکل (۱) ارائه شده است.

اساساً فهرست‌نویسی و گردآوری فهرست، کاری است سخت که بیش از آن‌چه فایده‌ای برای مؤلف داشته باشد، راهگشا و راهنمای بی‌نام و نشان برای محققان خواهد بود. هر عکس، نمایانگر یک یا چند موضوع است. برای این‌که علاقه‌مندان بتوانند از موضوعات عکس‌ها اطلاع یابند و در عین حال، این فهرست نیز از نظم مناسب برخوردار باشد، فهرست موضوعی تهیه شده است. به‌طوری که کافی است یابنده هر عکس با آگاهی از مطلب دلخواهش به این مجموعه مراجعه کرده، ضمن ملاحظه مطلب مورد نظرش، شماره موضوع را که در مقابل آن نوشته شده است، به دست آورده و از روی آن شماره، به عکس‌ها در قسمت دوم کتاب و به توضیح عکس‌ها در قسمت اول کتاب مراجعه کند (صافی گلپایگانی، ۱۳۸۴، ۶).

در استفاده از این فهرست باید توجه داشت که برخی موضوعات که به ذهن استفاده‌کننده می‌رسد ممکن است مترادف‌هایی داشته باشد. جوینده لازم است در مطالعه این فهرست و یافتن عکس‌ها مترادف‌های آن را نیز در نظر آورد تا سریع‌تر به منظور خود برسد. برای مثال، گاه لازم می‌شود یابنده برای یافتن کاخ گلستان به عمارت گلستان در اعلام این فهرست یا به جای معلمان دارالفنون به کلمه دارالفنون مراجعه نماید (همان).

«مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران» نیز اقدام به طراحی فرم

معمربندی که با افراد درون عکس‌ها آشنایی داشته‌اند، امروز دیگر در بین ما نیستند، به نظر می‌رسد که به کارگیری روشی نوین برای دسته‌بندی عکس‌ها می‌تواند راهکار مناسبی برای دسترسی آسان به آنها باشد. در این خصوص، با توجه به تجربه مثبت نگارنده در دسترسی به عکس‌های تبریز به واسطه پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «عکاسی در تبریز»، این تجربه به‌عنوان پیشنهادی برای جمع‌آوری منضبط و محدودتر عکس‌ها ارائه می‌شود تا کمکی باشد برای اعتلای فرهنگ تصویری ایران.

روش تحقیق

روش تحقیق انجام‌گرفته در این مقاله به‌صورت تاریخی - تحلیلی است تا با دریافت رویدادهای مهم به وجود آمده در این شهر، به جستجوی منابع تصویری مرتبط با آن پرداخته شود. همچنین این تحقیق از نوع کاربردی است و امید است از یافته‌های آن در تحقیقات سایر پژوهندگان استفاده شود. تلاش شد تا با بهره‌گیری از سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، کتابخانه مرکزی تبریز، کتابخانه مجلس، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران و کتابخانه پردیس هنرهای زیبا، مسائل مربوط به تبریز، نیز کتاب‌های عکاسی، به‌خصوص مطالب منتشرشده درباره تاریخ عکاسی شهرهای مختلف ایران و دسته‌بندی عکس‌ها مطالعه شوند.

چون خوشبختانه یا متأسفانه، سیاست و فرهنگ و هنر ایرانیان در هم آمیخته است، مطالعه تاریخ سیاسی ایران و به‌خصوص آذربایجان، توانست کمک شایانی در پیشبرد مقاله حاضر نماید.

پیشینه تحقیق

درخصوص دستیابی به عکس‌ها و دسته‌بندی آن‌ها، دو کتاب گنجینه عکس‌های ایران تألیف ایرج افشار^۲ و عکس‌های قدیمی ایران تألیف قاسم صافی گلپایگانی قابل اشاره هستند. در مقدمه این منابع، روش فهرست‌بندی و دستیابی به عکس‌های قدیمی و نیز موارد نقص کار به تفصیل گفته شده است.

ایرج افشار با کوشش‌های خود در تهیه عکس از میکروفیلم‌های دانشگاه تهران، فهرستی از آن عکس‌ها تهیه کرد؛ لذا به هر عکس شماره‌ای داده و فهرست آنها را به صورت الفبایی تهیه کرد. این امر در یافتن عکس مورد نظر محققین با سختی همراه شده بود، چرا که فهرست نویسی کامل نبود و پیدا کردن عکس‌ها با اتلاف وقت بسیار میسر می‌گشت. لذا تصمیم بر آن شد که فهرست‌نویسی جدیدی صورت گیرد و این برعهده حسین محبوبی اردکانی^۳ گذاشته شد و فهرستی که او تهیه



شکل ۱. دو نمونه فهرست که محبوبی اردکانی برای عکس‌ها تهیه کرده است (افشار، ۱۳۷۱، ۲۴).



کاخ گلستان

شکل ۲. عکاسی عبدالله میرزا، منظره‌ای که بنا بر دست‌خط ناصرالدین شاه در پایین آن، مربوط به کرمانشاه یا تبریز است (موزه کاخ گلستان).

ایران از این منظر است، از افراد و منابع مختلف به دست می‌آیند. می‌توان با جمع‌آوری تصاویر، به خصوص از آلبوم‌های خانگی، در غنای آن یعنی افزایش تعداد عکس‌ها و به دنبال آن آرشیو بالاتری از عکس‌ها کوشید. به این گونه که هر موضوع واحدی، اطلاعاتی را با خود به همراه خواهد آورد و این اطلاعات درون عکسی، در بخش مربوط بایگانی شده و مراجعه اشخاص به آرشیو با توجه به تعداد بیشتر عکس‌ها، خوانش‌های گوناگون، زوایای مختلف و نیز محدوده زمانی متفاوتی را به همراه خواهد آورد. این عمل چندان دور از دسترس نیست و با صرف کمی وقت می‌توان به راحتی مقدار قابل توجهی عکس را از آلبوم‌های خانوادگی به دست آورد. در این خصوص در طول مدت پژوهش پایان‌نامه نگارنده با عنوان «عکاسی در تبریز» و با در نظر گرفتن دوری مسافت، حدود هزار قطعه عکس از تبریز جمع‌آوری شد. از این مقدار، تنها نیمی از آنها از مراکز جمع‌آوری دولتی تحصیل و نیم دیگر آن، از آلبوم‌های خانوادگی و مجموعه‌داران تهیه شد.

تعریف دسته‌های مختلف

دسته‌بندی سوژه‌محور، بنا بر شرایط سیاسی و اجتماعی در مناطق مختلف ایران متفاوت است. لازم است تا بررسی برحسب اهمیت سوژه و فراوانی عکس‌ها در اقلیم‌های مختلف ایران انجام شود. بر این اساس، هر شهری از ایران دسته‌بندی مستقل خود را دارد. از همین روی، دسته‌بندی عکس‌ها در تبریز با توجه به فراوانی تصاویر و اهمیت آنها، در گروه‌های رجال، نخبگان، مردم، اماکن و زنان صورت گرفته است. عکس‌های مربوط به رجال شامل عکس‌هایی می‌شوند که در آنها مردانی از دربار، مجلس، ارتش، روحانیون، وزارت‌خانه‌ها و افراد

یا کاربرگه نمایه‌سازی کرده است. کاربرگه مورد بحث در برنامه نرم افزاری سیستم اسناد تصویری طراحی شده است و می‌تواند تا حدود قابل ملاحظه‌ای اطلاعات حاصل از شناسایی را در خود جای دهد و به این طریق پاسخگوی نیاز پژوهشگران باشد.

رویکرد سوژه محور

در گذشته، ذکر نام خالق در اثر هنری در میان ایرانیان مرسوم نبوده است. این موضوع در عکاسی نیز مصداق داشته و علاوه بر آن، مکان یا اشخاص عکس‌برداری شده نیز در ذیل تصاویر قید نمی‌شدند؛ در نتیجه بسیاری از عکس‌های قدیمی ناشناخته می‌مانند. امروزه این موضوع با درگذشت افرادی که می‌توانستند سوژه‌ها را شناسایی کنند و عکس‌های قدیمی را توضیح دهند، به مراتب سخت‌تر شده است. البته این مشکل مربوط به عصر حاضر نبوده و در گذشته نیز وجود داشته است. نگارنده، تصویری را در موزه کاخ گلستان مشاهده کرده که عکاس آن «عبدالله میرزا»^۴ بوده و ناصرالدین شاه با دست‌خط خود محل عکس‌برداری را کرمانشاه یا تبریز نام نهاده است؛ شاهدهی بر این مدعا که ابهام در معرفی عکس‌ها در ایران از سابقه‌ای دیرینه برخوردار است. بنا بر این شناسایی اماکن و اشخاص، رو به فراموشی بوده و بهتر است هرچه سریع‌تر راه حلی برای این بحران در عکاسی یافت (شکل ۲).

در واقع می‌توان گفت که مشکل عدم شناسایی موضوع عکس، چند وقت یک بار بروز می‌کند. در این میان افرادی پیدا می‌شوند که می‌توانند تنها بخشی از عکس‌ها و نه تمام آنها را بازشناسی کنند و همین موضوع ادامه می‌یابد و به مرور زمان بر تعداد عکس‌های مجهول‌الهویه افزوده می‌شود. بخش عمده این مشکلات از آن‌جا ناشی می‌شود که دسته‌بندی عکس‌ها به صورت کلی و بر پایه موضوع درون آن‌ها است. در پایان این دسته‌بندی، فهرست اسامی اشخاص درون عکس‌ها یا اماکن، راهکار رسیدن به عکس‌ها به نظر می‌رسد. دلیل دیگر این عدم دسترسی آسان به رویکرد «عکاس‌محور» و به حافظان اسناد مربوط می‌شود. پس از گذشت چند دهه از قدمت عکس‌ها، به نظر می‌رسد که موضوع عکاسی نیز هم‌سو با خالق اثر اهمیت داشته باشد.

با دسته‌بندی «سوژه‌محور» و محدود کردن سوژه‌ها به موضوعات جزئی‌تر، می‌توان دسترسی به تصاویر را آسان‌تر کرد. با در کنار هم قرار دادن عکس‌ها در دسته‌بندی‌های مشخص، با توجه به زمینه تصویر و دیگر کدهایی که در مشاهده هر عکس منتقل می‌شوند، این امکان به وجود می‌آید که تصاویر شناسایی‌نشده، در دسته‌های مربوط به خود جای گیرند. همین مسئله درباره اشخاص نیز صدق می‌کند (صحتی، ۱۳۹۶، ۳).

عکس‌های این پروژه، که اولین گام در جمع‌آوری عکس‌های

اضافه‌شدن تصاویر جدید، نتیجه‌گیری در خصوص هر دسته‌بندی نیز منطقی‌تر صورت گیرد و به این ترتیب، جلوی نتایج سطحی نیز گرفته شود. در واقع هر دسته‌بندی، فصلی است که به مثابه یک آلبوم، صفحات آن همواره گشوده‌اند.

از مشکلات دیگر این نوع دسته‌بندی، عدم آگاهی و تسلط بر تاریخ عکاسی و نیز تاریخ سیاسی و اجتماعی مکان عکاسی شده است. زیرا اشتباه در فهم آن دوران، عکس‌ها را تنها به صرف این که قدمت دارند به موضوعاتی زیبایی‌شناختی بدل می‌کنند و از جانمایی آن در دسته‌بندی مربوط به خود باز می‌ماند. نتیجه آن، عدم دسترسی به عکس مورد نظر خواهد بود؛ پس لازم است تا اهمیت مطالعه تاریخی را نیز در نظر گرفت و دانست که این دسته‌بندی، امری میان‌رشته‌ای است که با توجه به نوع و نیاز به دقیق‌تر گفتن مفهوم مورد نظر ضرورت می‌یابد. به عنوان مثال، در شکل (۵)، آراستگی تصنعی تصویر با فرش، حضور زن به معنای برابری زن و مرد، لباس اروپایی مردی در میان نظامیان، فردی با پوششی که یادآور کارگران است تا حضور او در کنار دیگر افراد مشهود به نوعی پیکره‌ای نمادگرایانه از حزب دموکرات چپ‌گرای آذربایجان باشد، بر تبلیغات تکیه دارد تا همه چیز را خوب و مردمی جلوه دهد. دانش کسی که این عکس‌ها را می‌خواند مستلزم تسلط او بر اتفاقات سیاسی، اجتماعی و هنری زمانه است. صرف این که این مردمان افرادی هستند که در کنار هم عکسی به یادگار گرفته‌اند، نمی‌تواند در دسته‌بندی کمکی کند. در دسته‌بندی‌های امروزه مراکز بایگانی ایران، صرفاً به همین که عکسی وجود دارد، بسنده شده است. پژوهشگر باید به قدری جستجو نماید تا عکسی را به تصادف بیابد. کافی است که عکس‌ها بخش به بخش و منسجم دسته‌بندی شده باشند و در وهله بعدی می‌شود حتی دسته‌بندی را باز هم دقیق‌تر و برحسب جزئیات بیشتر کرد.

پیشنهادهایی برای دسته‌بندی عکس‌ها

پیشنهادهای ذیل که با کمی همت و صرف وقت می‌توان به آنها جامه عمل پوشاند، ارائه می‌شوند تا وقت و انرژی پژوهشگر در دیگر موارد تحقیق صرف و سیر دستیابی به تصاویر مراکز نگهداری عکس آسان شود. ضمن این که استفاده از این فرهنگ تصویری غنی و منضبط، بدون اغراق در همه علوم به کار می‌رود و این امر می‌تواند به پیشرفت کلی دانش ایران کمک شایانی کند.

۱- دسته‌بندی عکس‌ها بر پایه سوژه‌محوربودنشان است. این سوژه‌محوربودن بنا بر شرایط اقلیمی و اجتماعی در هر منطقه متفاوت و بر پایه فراوانی و اهمیت عکس در هر گروه سوژه خواهد بود.

۲- به‌طور حتم شناخت تاریخچه عکس، در این دسته‌بندی نیز نقش مؤثری را دارد؛ زیرا بارها مشاهده شده است که ناتوانی در

دارای مناصب لشگری و کشوری در تشکیلات دولتی قرار دارند؛ مانند شکل‌های (۳ تا ۵).

عکس‌های مربوط به نخبگان مشتمل بر عکس‌های هنرمندان، فرهنگیان و اشخاصی است که به نوعی در خدمات اجتماعی نقش داشته‌اند مانند شکل‌های (۶ و ۷).

دسته‌بندی عکس‌های مردم نیز شامل خیل عظیم مردمان عادی از پزشک و معلم گرفته تا کارگران ساده، کودکان، بازاریان، مردم کوی و برزن و در مجموع افرادی می‌شود که دارای منصب لشگری و کشوری نباشند و به نوعی ساختار طبقه متوسط جامعه را بنا نهاده‌اند؛ همان‌ها که مدت‌ها با نام رعایا از آنان نام برده می‌شد. نیز در این دسته، می‌توان عکس‌های تعیین هویت^۵ را گرد آورد؛ مانند (شکل‌های ۱۱ و ۱۲).

کلیه فضاهای شهری هم‌چون دورنماهای شهری، مشاغل و بازار، خیابان‌ها و پارک‌ها، آثار معماری اعم از ابنیه باستانی و متأخر که صاحب فضایی در یک چارچوب مشخص باشند، در دسته اماکن قرار می‌گیرند؛ مانند شکل (۱۴).

هم‌چنین می‌توان بنا بر موقعیت هر منطقه از ایران، دسته‌بندی جدیدی را با تعریف مشخصی بنا نهاد. به عنوان نمونه‌ای روشن می‌توان به دسته‌بندی دیگری در شهرهای بندری مانند بندر انزلی و بندر عباس اشاره کرد و آن مربوط به گمرک و کشتیرانی است. بخشی از عکس‌ها نیز شامل دو یا چند نوع دسته‌بندی خواهند شد؛ به عنوان مثال، ممکن است که یکی از رجال در کنار بانویی باشد؛ که در این صورت آن عکس هم در دسته رجال و هم در دسته زنان قرار می‌گیرد. بدین ترتیب به تعداد سوژه‌های درون هر عکس، آن تصویر در همان تعداد دسته‌بندی قرار می‌گیرد؛ مانند شکل (۱۳) که به طور مشترک در دسته‌بندی اماکن و رجال جای می‌گیرد.

در نهایت این نتیجه حاصل می‌آید که با روشی منضبط و دسته‌بندی شده که صرفاً بر پایه سوژه خواهد بود و نه عکاس، نیز با صرف کمی وقت برای تکمیل آرشیو تصویری، منابعی دقیق، غنی و سهل‌الوصول از عکاسی در ایران به دست خواهد آمد. به پیوست تعدادی از این عکس‌ها در دسته‌بندی‌های مطرح شده به عنوان نمونه ارائه شده‌اند.

مشکلات پژوهش

بزرگ‌ترین مشکل در این پژوهش، بیم از سوق آن به نتیجه‌گیری قیاس مع الفارق است؛ قیاسی که بر اساس تعداد معدودی عکس انجام می‌پذیرد. به‌طور حتم براساس چند نمونه عکس نمی‌توان نتایج کلی گرفت. بنابراین برای فائق آمدن بر این بیم، دسته‌بندی عکس‌ها در بخش‌های مختلف انجام شده است تا راحت‌تر بتوان مجموعه‌های مختلف را جمع‌آوری کرد و با

نمونه با کیفیت آن عکس‌ها بود. هم‌چنین می‌توان پس از تأیید و اطمینان یافتن از درستی عنوان عکس و سوژه، که لازمه آن داشتن مطالعات میان‌رشته‌ای است، همان عکس را با ذکر منبع و یا با اجازه از سایت صاحب اثر، وارد دسته‌بندی‌ها کرد.

۹- می‌توان پس از جمع‌آوری تعداد مشخصی عکس و یا مجموعه‌ای خاص، کتابی از تصاویر مربوطه را به چاپ رساند تا با رجوع به آن تصاویر، دسترسی به اصل عکس راحت‌تر شود.

نتیجه‌گیری

ارائه دسته‌بندی عکس‌ها به صورت سوژه‌محور در سایر نقاط ایران و با کنار هم قرار دادن آن تصاویر، کمک فراوانی به جمع‌آوری تاریخ مدون عکاسی ایران می‌کند. جمع‌آوری عکس‌ها امری است میان‌رشته‌ای که تسلط بر تاریخ عکاسی و نیز تاریخ سیاسی و اجتماعی مکان عکاسی را لازم دارد. دسته‌بندی سوژه‌محور، اقدامی مؤثر در جهت پیشبرد پژوهش‌های تصویر مبنای و صرفه‌جویی در زمان پژوهشگر در راستای دسترسی سریع‌تر وی به موضوع مورد نظر خواهد بود. امید است که مقاله حاضر بتواند انگیزه‌ای باشد برای ترغیب کسانی دیگر تا بدین وسیله به جستجوی واقعیت‌ها و حقایق نهفته در دل تاریخ ایران برآیند و از قیل آن، برخی تصاویر باقی‌مانده و رو به فراموشی را یافته و آن را در دسترس دیگران نیز قرار دهند. روایت عکاسی در تبریز با روش پیشنهادی، در پایین‌ترین سطح، این ماحصل را خواهد داشت که در دوران حضور عکس در تاریخ ایران، دخل و تصرفی نمی‌توان کرد؛ باری تاریخ بدون عکس را می‌توان به راحتی قلب کرد.

پی‌نوشت

۱. سوزان سانتاگ (Susan Sontag (1933 – 2004)) از نویسندگان و منتقدین مشهور به‌ویژه در زمینه عکاسی است.
۲. ایرج افشار (۱۳۰۴-۱۳۸۹ ه.ش)، نخستین مورخ ایرانی است که کوشیده مفاهیم پاره‌ای از متون فارسی معاصر را تحلیل کند، در نتیجه اسامی عکاسان بسیاری را به تاریخ عکاسی ایران افزوده است. از او کتاب گنجینه عکس‌های ایران به چاپ رسیده است.
۳. حسین محبوبی اردکانی (۱۲۹۴-۱۳۵۶ ه.ش) دانشمند و محقق تاریخ ایران بود.
- ۴- عبدالله میرزا (۱۲۲۸-۱۲۸۷ ه.ش) در زمان مظفرالدین شاه، عکاسخانه‌ای با نام «عکاسخانه مدرسه مبارکه دارالفنون» را تأسیس نموده و فن عکاسی را در ایران متداول می‌کند. به همین جهت بسیاری از عکاسان بعدی از شاگردان او بوده‌اند.
- ۵- عکس‌های تعیین هویت شامل آن دسته عکس‌های پرسنلی است که در جهت شناسایی افراد در شاخه‌های گوناگون مانند شناسنامه، پاسپورت، پروانه مطب، گواهینامه رانندگی و ... استفاده می‌شوند.

شناخت سیر عکاسی از سوژه‌ای خاص، آن عکس را در دسته‌های نابجا و اشتباه جای داده و متأسفانه دسترسی به آن عکس خاص ناممکن شده است.

۳- متأسفانه بخش اعظم تصاویر، در عتیقه‌فروشی‌ها و سمساری‌ها در حال از بین رفتن هستند و بهای گزاف آنها مانعی بر سر راه جمع‌آوری‌شان است. شایسته است تا از طریق مراجع مسئول، اقدامی فراگیر در جمع‌آوری، دسته‌بندی و نگهداری این تصاویر صورت گیرد. این عمل می‌تواند به صورت فراخوان درخواست عکس‌های قدیمی برجای‌مانده در آلبوم‌های خانوادگی صورت پذیرد. نگارنده، فراخوانی مشابه را به یاد دارد که در «روزنامه ایران» به سال ۱۳۷۶ ه.ش منتشر شده بود. به گفته مسئولان وقت این روزنامه، تصاویر و اسناد گردآمده به واسطه فراخوان مذکور، به لحاظ کمی، بی‌نظیر بوده‌اند.

۴- اقدامی جدی به صورت مکاتبه‌ای با دانشگاه‌ها و مراکز فرهنگی کشورهای همسایه، به خصوص ترکیه، ارمنستان، جمهوری آذربایجان، روسیه و گرجستان و هم‌چنین کشورهای دیگر که در طول تاریخ سیاسی ایران، مستشاران و گروه‌هایی را به ایران اعزام کرده‌اند؛ از جمله انگلستان، فرانسه، ایتالیا، آلمان و ایالات متحده امریکا صورت گیرد تا بتوان از آرشیو تصاویر آن‌ها که به‌طور حتم از تازگی خاصی برخوردارند، استفاده کرد. نگارنده، مکاتبات اولیه را در این خصوص انجام داده است و تاکنون یک کتابخانه در ترکیه آمادگی خود را اعلام کرده است.

۵- حساسیت ویژه‌ای در جمع‌آوری آلبوم‌های خانوادگی صورت گیرد؛ زیرا نتایج حاصل از مجموعه‌های عکس، بسیار مفیدتر و قابل استنادتر هستند. هم‌چنین از آنجا که زمان، خود عاملی برای ارزش یافتن عکس‌ها محسوب می‌شود، مجموعه‌داران معمولاً به سراغ عکس‌هایی برای آلبوم می‌روند که به عواملی چون رخدادهای سیاسی و اجتماعی، ارزش بصری و نگهداری وابسته باشند.

۶- مشخص کردن مرکزی جهت جمع‌آوری تصاویر در حال زوال و یا در مراکز نگهداری غیرموجه مانند سمساری‌ها، نظیر آن چه در انگلستان و فرانسه به وقوع پیوسته، می‌تواند راه حل مناسبی برای حصول به هدف باشد. به نظر می‌رسد که دانشگاه تهران با توجه به سابقه‌ای که در جمع‌آوری عکس‌های مجموعه‌ای با پیگیری‌های ایرج افشار دارد، گزینه مناسبی باشد.

۷- نگارنده در حین بررسی مطبوعات مصور تبریز با تعداد قابل توجهی عکس داخل روزنامه‌ها مواجه شد که شایسته است اقدامی در جهت جمع‌آوری بهینه این تصاویر از دیگر روزنامه‌های ایران به دو صورت رجوع به آرشیو دفتر روزنامه مزبور و یا نسخه‌برداری صورت پذیرد.

۸- با گسترش شبکه‌های اینترنتی، می‌توان عکس‌های دلخواه را به واسطه موتورهای جستجوگر یافت و پس از آن، به دنبال

منابع

صحتی، بهزاد. (۱۳۹۶). عکاسی به روایت تبریز، تهران: انتشارات دانشگاه پارس.
Grensheim, Helmut. (1962). Creative photography. London: Faber & Faber

افشار، ایرج. (۱۳۷۱). گنجینه عکس‌های ایران. تهران: نشر فرهنگ ایران.
سانتاگ، سوزان. (۱۳۹۰). درباره عکاسی. ترجمه مجید اخگر. تهران: نشر نظر.
صافی گلپایگانی، قاسم. (۱۳۸۴). عکس‌های قدیمی ایران. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

۱. عکس‌های رجال تبریز



شکل ۳. مظفرالدین میرزا با لباس اروپایی و بدون کلاه در برابر دوربین (مرکز اسناد دانشگاه تهران).

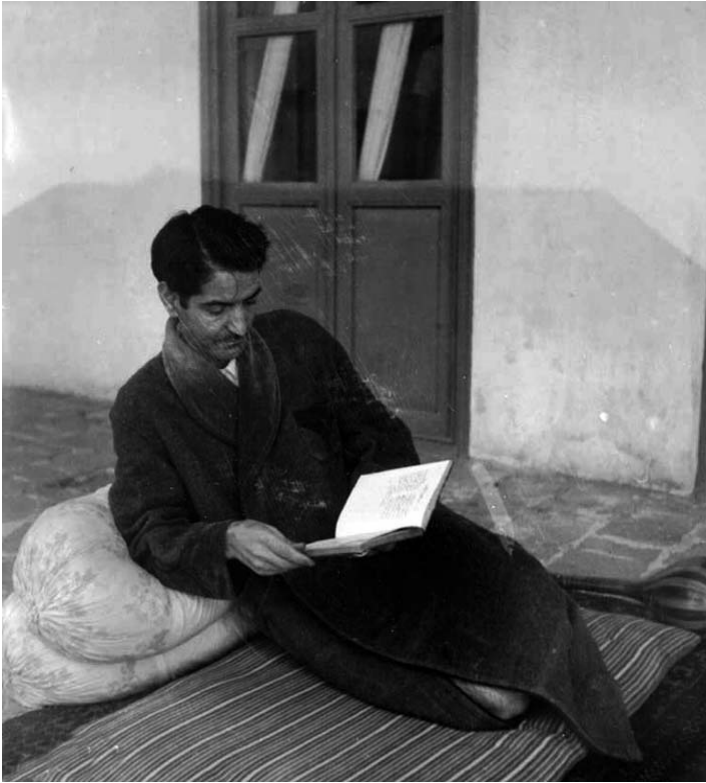


شکل ۴. سالارنظام از فرماندهان تبریز (مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران).



شکل ۵. چهار تن از اعضای فرقه دموکرات، حضور زنی نظامی و مردی با لباس نوین و آراسته، به بهانه القای وضعیت متعالی اعضا است (مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران).

۲. عکس‌های نخبگان تبریز



شکل ۶. استاد شهریار در حال مطالعه (مجموعه خصوصی).



شکل ۷. دانش آموزان مدرسه رشیدیه در ژست دعا خواندن و علامت یادگیری نماز (مجموعه آقای جدید الاسلام).



شکل ۸. تقه الاسلام به همراه هفت تن دیگر بر بالای دار (سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران - مدیریت شمال غرب ایران).

۳. عکس‌های زنان تبریز



شکل ۹. زنی با لباس مجاهدان در آتلیه عکاسی
(مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران).

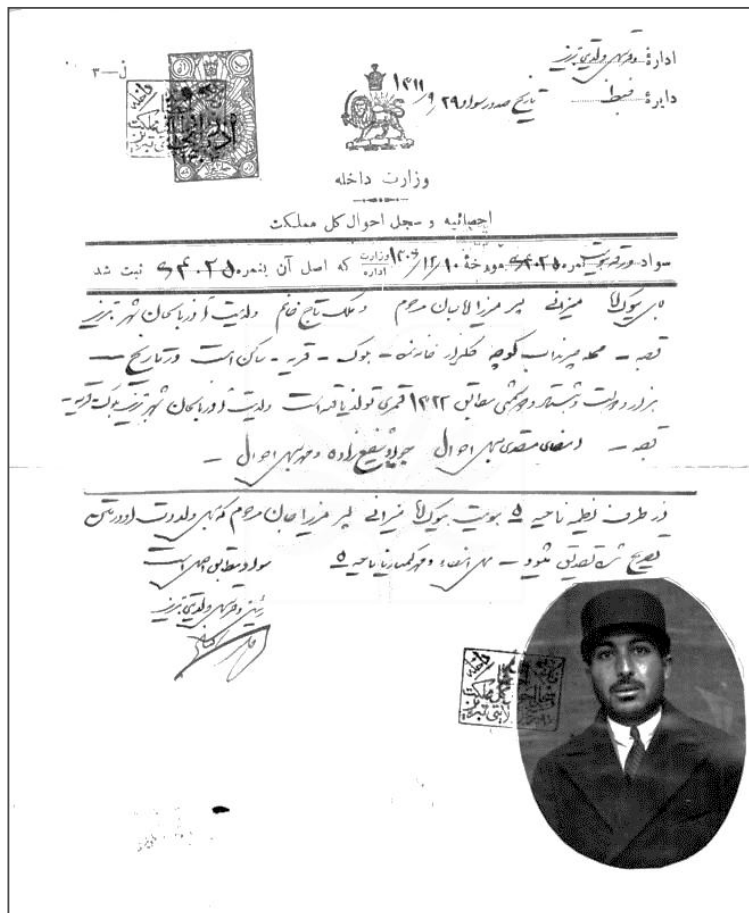


شکل ۱۰. زینب پاشا (فردی که گل در دست دارد) از مبارزین علیه گران‌فروشی و احتکار در تبریز
(سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران - مدیریت شمال غرب ایران).

۴. عکس‌های مردم تبریز



شکل ۱۱. ستارخان و باقرخان با اطرافیان آنها (مجموعه آقای جدید الاسلام).



شکل ۱۲. از مجموعه عکس‌های تعیین هویت، صدور اجازه اشتغال به طبابت در تبریز (سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران).

۵. عکس‌های اماکن تبریز



شکل ۱۳. علی منصور (استاندار آذربایجان، نفر دوم از سمت راست)، محمود جم (وزیر فوائد عامه، نفر سوم از سمت راست) و محمدعلی فروغی (نخست وزیر، نفر چهارم از سمت راست) در حین بازدید از خرابه‌های مسجد کبود تبریز در سال ۱۳۹۸ ه.ش (مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران).



شکل ۱۴. نمایی از کوچه ای در تبریز (مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران).